

همیاری و تعاون در خون مردم ایران است

■ «جهاد سازندگی» از اوایل انقلاب یکی از زیباترین جلوه‌های همبستگی مردمی بود. جوانان دانشجو و روستاییان، دوشادوش هم در روستاها پل، جاده و زمین‌های کشاورزی را می‌ساختند و هم‌زمان با پشتیبانی از جبهه‌ها بار بزرگی از آبادانی کشور را به دوش می‌کشیدند. این تجربه تاریخی نشان داد توسعه تنها با پول و امکانات دولتی محقق نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از همه، آبادانی با ایمان و همت مردم به ثمر می‌رسد و اما بعد از جنگ، کشور نیاز به بازسازی و بازآفرینی داشت. در آن دوران، تعاونی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه هم به صورت خانوادگی و هم به صورت محلی راهی برای اشتغال، کارآفرینی و حمایت از اقشار متوسط و کم‌درآمد بود. بسیاری از خانواده‌ها با پس‌اندازهای کوچک، به همت تعاونی‌های مسکن توانستند برای خود خانه‌ای تهیه کنند یا کسب و کاری راه بیندازند. فرهنگ قرض‌الحسنه در خانواده‌ها، نمونه‌ای درخشان از همکاری‌های عمیق شد که هم معیشت را سامان می‌داد و هم اعتماد متقابل را در جامعه تقویت می‌کرد! صفحه ۱۰

پرونده ویژه «جوان» به مناسبت روز حرکت‌های جهادی و امداد مردمی و سالروز حضور رهبر انقلاب در میان زلزله‌زدگان فردوس

ما همه جهادگریم



حجت‌الاسلام میثم غلامی، سرپرست پژوهشگاه فضای مجازی:

دوران کرونا الگویی جامع از کاربرد فضای مجازی در حرکت‌های جهادی و مردمی بود



محمد جواد مردی، مسئول گروه جهادی امیدگاه نجف:

اردوهای جهادی مدرسه‌ای برای تربیت جوانان و تجربه خدمت بی‌منت است



سلیمان احمدوند، جامعه‌شناس:

گذر از «جهادی‌گری نمادی» به «جهادی‌گری نهادی» بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند



تعاون و جهاد ۲ ضلع امید برای ساختن آینده

حل مسئله در آنان پرورش می‌یابد. این تجربه‌ها به تدریج فاصله میان نسل‌ها را کاهش می‌دهد و والدین می‌بینند، فرزندان‌شان آماده مواجهه با چالش‌های واقعی در زندگی شخصی و اجتماعی خود می‌شوند.

مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای نیز از جمله دستاوردهای حضور در این مسیر است. این تجربه‌ها نوعی استعدادیابی طبیعی برای آنان فراهم می‌کند. آنها می‌آموزند کدام حوزه‌ها با توانایی و علاقه‌شان سازگار است و می‌توانند با دقت و شناخت بهتر، مسیر شغلی موفق و آینده‌ای پایدار برای خود بسازند.

در پایان باید گفت، این روز و مناسبت‌های مرتبط با آن، تنها یک یادآوری تقویمی نیست، چراغ راهی است برای ساختن آینده‌ای روشن و امیدبخش. اگر این دو ضلع هرم با استمرار دنبال شود، همان چشم‌اندازی محقق خواهد شد که بزرگان و رهبران

نامگذاری این روز هم به دلیل حضور ایشان به عنوان روحانی جهادگر در زلزله‌شهریور سال ۱۳۴۷ فر دوس می‌باشد، و این یعنی همان آینده‌نگری، بصیرت و دوراندیشی رهبران ما نگاهی که باعث شد امروز با داشتن خانواده و جامعه‌ای مقاوم و پویا از کنار همه بحران‌ها و نقشه‌های شوم دشمنان گذر کنیم و در تنگنای تاریخی سربلند باشیم.

■ **دستاورهای این دو ضلع برای خانواده‌ها و نسل جوان**

و اما ادامه این مسیر، دستاوردهای بزرگی برای خانواده‌ها و نسل جوان دارد. به عقیده کارشناسان و انهایی که سال‌ها در این مسیر همراه و همدل، کنار جوانان قرار گرفته‌اند، معتقدند خانواده‌هایی که چنین حرکت‌هایی انجام می‌دهند و با ایمان و اعتقاد پا به عرصه جهاد و همدلی می‌گذارند و اگر شرایط حضور ندارند ولی فرزندان‌شان را مصمم در این راه همراهی می‌کنند، یاد می‌گیرند در سختی‌ها،

۱۳ شهریور در تقویم رسمی روز تعاون و هم‌چنین روز حرکت‌های جهادی و امداد مردمی نام گرفته

است. این هم‌زمانی به معنای آن است که این دو مفهوم گرانشنگ پیام‌بلندی دارند: **جامعه‌ای که هم‌روحیه تعاون در آن جاری باشد و هم‌روحیه جهادی، پایدار و سرافراز خواهد بود.**

■ ■ ■

■ **اضلاع به هم پیوسته یک هرم**

تعاون یعنی با هم بودن، تقسیم مسئولیت‌ها و باور به اینکه هیچ فرد و خانواده‌ای تنها نیست. جهاد مردمی نیز یعنی از خودگذشتگی، خدمت‌خالصانه و ایستادن پای ارزش‌ها. در هم‌کلامی با پیشکسوتان عرصه‌های تعاون و جهادی در یافتن این دو، اگرچه در ظاهر دو مسیر متفاوت‌اند اما در حقیقت اضلاع یک هرم محسوب می‌شوند که هر کدام بدون دیگری ناقص می‌ماند. تعاون، بنیان عدالت و همبستگی اجتماعی را می‌گذارد و روحیه جهادی آن را به حرکت، پویایی و ایثار تبدیل می‌کند.

■ **تجربه‌ای که بارها تکرار شد**

تاریخ معاصرمان بارها نشان داده است؛ هر تعاون و جهاد دست در دست هم داده‌اند، بحران‌ها نه تنها بر ما غلبه کرده‌اند، بلکه به فرصتی برای شکوفایی تبدیل شده‌اند. در جنگ هشت ساله، همین روحیه جهادی در کنار تعاون مردمی، جبهه‌ها را سربانگه داشت. در جهاد سازندگی، جوانان و روستاییان با دست‌خالی اما دل‌های پرآمید، کشور را از دل محرومیت زدودند. در کمک‌های مؤمنانه و صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاون و جهاد معنایی تازه پیدا کردند و به دل خانواده‌ها آرامش بخشیدند و امروز، در جنگ ۱۲ روزه اخیر، همین روحیه مقاومت و همدلی بود که مردم را از کنار مشکلات، با سربلندی و عزت عبور داد.

■ **رهنمودر هبران انقلاب و آینده‌نگری حکیمانه‌شان**

با نگاه به گذشته درمی‌یابیم اگر امروز با افتخار از دستاوردهای این دو فرهنگ سخن می‌گوییم، به

دلیل آن است که رهبران ما سال‌ها پیش پایه‌گذار این مسیر شدند. از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، خمینی‌کبیر(ره) که جهاد سازندگی را بنیان گذاشت تا رهبر فرزانه‌مان که بارها بر تداوم روحیه جهادی و تعاون برای جوانان تأکید کرده‌اند و اصل

کنیم؟ آیا بهتر نیست این فرصت‌ها را برای کسانی بگذاریم که زندگی‌شان واقعاً به همین کمک‌بند است؟

در کنار این واقعیت‌ها، نباید از یاد ببریم جامعه ما پر است از افرادی که با دلسوزی و فداکاری، به صورت جهادی و بی‌منت، برای رفع نیازهای هم‌توعان‌شان گام برمی‌دارند. آنها کسانی هستند که در سخت‌ترین شرایط، بی‌بیاهو و با توکل، دست یاری به سوی نیازمندان دراز می‌کنند، از تهیه دارو و درمان گرفته تا آموزش و تأمین معیشت. این افراد، سرمایه‌های واقعی جامعه‌اند که باید قدرشان را بدانیم و مسیر حمایت از آنها را هموار کنیم. کمک گرفتن، اگر از سر نیاز باشد، هیچ ایرادی ندارد اما اگر تنها از سر عادت یا طمع باشد، می‌تواند به پدیده‌ای نگران‌کننده تبدیل شود که اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند و منابع راز مسیر در ست منحرف می‌سازد.

در نقطه مقابل، باید قدر دان مردمی باشیم که بی‌بیاهو، در قالب گروه‌های جهادی، خیریه‌ها یا صندوق‌های خانوادگی و صنفی، بار دیگران را به دوش می‌کشند. همان‌ها که روزهای تعطیل‌شان را در روستاها و مناطق محروم می‌گذرانند، دارو می‌خرند، کار راه می‌اندازند و لبخند می‌کارند؛ بدون اینکه توقعی داشته باشند.

همه ما نیازمند و محتاج نیستیم اما همه ما مسئولیم. بیاییم در این مسئولیت، صادقانه شریک باشیم. اگر نیاز داریم، با حفظ عزت نفس، کمک بگیریم و اگر نداریم، کنار برویم تا برسد به کسی که واقعاً ددشت تنگ است. گاهی، همین کنار رفتن، بزرگ‌ترین کمک است. پس، در این روزگار پر از چالش، باید بیشتر از همیشه به «انصاف» فکر کنیم. انصاف یعنی اگر نیازمند واقعی هستیم، با عزت نفس و صداقت، کمک بخواهیم. اگر نیازمند نیستیم، با پس‌بکشمی و فرصت را به دست کسی بسپاریم که بی‌تابانه چشم انتظار آن است. اگر توانایی‌ی کار داریم، به جای انتظار معجزه، خودمان معجزه تلاش و کوشش باشیم.

در پایان باید گفت انصاف، کلید حفظ اعتماد اجتماعی و تداوم کمک‌های مردمی است. این کلید، چراغ راهی است که به ما یادآوری می‌کند؛ دست کمک را باید تنها به کسانی بدهیم که حقیقتاً محتاج‌اند و در عوض از تلاش و همت خویش هرگز غافل نشویم.



است، نه کسی که فقط خوب بلد است نقش نیازمند را بازی کند. منابع حمایتی، چه مالی و چه غیرمالی، محدود هستند و این ظرفیت باید به دست کسانی برسد که واقعاً به آن نیاز دارند. وقتی افرادی که می‌توانند با کار و تلاش زندگی خود را بچرخانند، به‌جای اتکا به توانایی خود، به دنبال کمک‌های نقدی یا بسته‌های حمایتی می‌روند، نه تنها به خود ضرر می‌رسانند، بلکه زمینه را برای محروم ماندن نیازمندان واقعی فراهم می‌کنند. بیایید با خودمان روراست باشیم که اگر امروز توان کار کردن داریم، باید به جای نشستن و انتظار کمک، دست به کار شویم. هر کار کوچک، هر تلاش صادقانه، قدمی است به سوی استقلال مالی و کرامت انسانی. هیچ چیز ارزشمندتر از نانی نیست که با تلاش حلال به دست آمده باشد.

بیایید در کنار بزرگداشت مهربانی مردم، از خودمان هم ببرسیم، اگر واقعاً محتاج نیستیم، جای ما در این صف‌هاست؟ اگر توانایی کار کردن داریم، درست است که به کمک‌های نقدی یا بسته‌های حمایتی تکیه

نمی‌توان نادیده‌اش گرفت و همه هم کماکان از آن اطلاع داریم. برخی افراد، به جای آنکه واقعاً دست‌نیاز به سوی دیگران دراز کنند، فقط نقش نیازمند را بازی می‌کنند. این افراد، با تکیه بر ضعف‌ها و کمبودهای اطراف، سعی می‌کنند از فرصت‌های حمایتی سوءاستفاده کنند؛ گاهی بر اثر طمع، گاهی تنبلی و گاهی حتی به‌خاطر عادت‌هایی که به غلط شکل گرفته‌اند. شاید در نگاه نخست، این رفتار ساده یا حتی زرتگی به‌نظر برسد اما در واقع، می‌تواند مانی جدی در مسیر رسیدن منابع محدود به دست صاحبان اصلی‌اش باشد؛ کسانی که با آبرو زندگی می‌کنند و در عین نیاز از گرفتن کمک‌خجالت می‌کشند. گاهی دیده می‌شود افراد سالم و توانا، برای دریافت وام‌های قرض‌الحسنه یا بسته‌های معیشتی اقدام می‌کنند، در حالی که خود اذعان دارند از پس زندگی‌شان برمی‌آیند. شاید حضور یک نفر اضافی در این صف‌ها، باعث شود فردی واقعاً نیازمند از دریافت همان حداقل حمایت محروم بماند. واقعیت این است که حق با نیازمند واقعی

نیره ساری در روزگاری که مشکلات اقتصادی، بسیاری از خانواده‌ها را با دشواری مواجه کرده، چشمان

بسیاری به دست‌های گره‌گشای خیرین و نهادهای حمایتی دوخته شده است. مردم، از دل خود مردم، بارها نشان داده‌اند، اگر فرصتی برای کمک فراهم شود، بی‌منت و بی‌تظاهر پای کار می‌آیند. جامعه ما بارها و بارها نشان داده است، مهربانی و همدلی هنوز زنده است. صحنه‌هایی از همدلی‌های جهادی در هنگام حوادث، مثل همین جنگ ۱۲ روزه اخیر، یا توزیع ارزاق به مناسبت‌های مختلف، وام‌های قرض‌الحسنه اصناف و مردم محل و حتی خانواده‌ی، یا کمک به بیماران و نیازمندان، بارها و بارها در دل جامعه تکرار شده‌اند؛ بی‌اینکه در تریبونی فریاد زده شوند. اساساً مردم ایران بسیار مهربان هستند و در فضای همدلی مثل ندارند.

اما متأسفانه، در کنار این زیبایی‌های اجتماعی، واقعیت تلخی هم وجود دارد که



فرزانه برای ما ترسیم کرده‌اند و آن جامعه‌ای سربلند، مقاوم، عدالت‌محور، همدل و سرشار از امید و کشوری مستقل و به دور از وابستگی است. در چنین مسیری، خانواده‌ها و جوانان نه ناظران بی‌تفاوت مشکلات، بلکه خالقان راه‌حل‌ها خواهند بود و نسل آینده با اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، نوآوری و همبستگی، انرژی و پتانسیل سرشار نوجوانی و جوانی خود را به شکل سازنده و درست به کار خواهد گرفت و از انحراف مسیرها و راه‌های نادرست برای تخلیه این انرژی جلوگیری خواهد شد.

به جای یأس و ناامیدی، امید و آرامش بیافریند و به جای دامن زدن به مشکلات، آنها را به درستی مدیریت و حل کنند. حضور جوانان در این میدان‌ها، بسیاری از نگرانی‌های والدین امروز را هم کاهش می‌دهد، نگرانی‌هایی از جمله شکاف نسلی، تنبلی، بی‌مسئولیتی، کم‌توجهی به ارزش‌های اجتماعی و ضعف مهارت‌های کار گروهی. وقتی فرزندان در اردوهای جهادی و فعالیت‌های تعاونی مشارکت می‌کنند، علاوه‌بر خدمت به دیگران، احساس مسئولیت‌پذیری، همدلی و مهارت